



مهمان گل

● محبوبه صمصام شریعت

وقتی که آب دادم
گل‌های خوشگلم را
یکدفعه عطسه‌ای کرد
کرمی میان آن‌ها

گفتم به او: «بخشید!
اصلاً تو را ندیدم!»
یک برگ سبز و کوچک
روی تنش کشیدم.



موی جنگلی

● مریم هاشم‌پور

صبح که من پا شدم
پنجره‌ها باز بود
توی اتاق خودم
یک ملخ ناز بود

مثل فنر می‌پرید
این طرف و آن طرف
صندلی و فرش دید
جای درخت و علف

باز ملخ گشت و گشت
ساقه و برگی ندید
جنگلِ مو دوست داشت
روی سر من پرید!



خواب قشنگ

● منیره هاشمی

مدرسه مثل هر شب
خواب قشنگی می‌دید
خواب صد و نود تا
کوله‌ی رنگی می‌دید

چشماشو وا کرد و دید
برگ درختا زردند
خندید و گفت: ای خدا
بچه‌ها برمی‌گردند



آتش نشان

● خاتون حسنی

یه بوته آتش گرفت
کلاغه گفت قارقار
از ته دل صدا زد
آتش نشان خبردار

فیل که آتش نشان بود
حرف کلاغو گوش کرد
با خرطوم پر از آب
فوری اونو خاموش کرد



تصویرگر: مرضیه قوامزاده





موی عروسکم را
با تور و گیره بستم
آوردمش کنارم
نزدیک او نشستم

گفتم چه دوست داری؟
آجیل، میوه یا سوپ
بازی کنیم امروز
با یک دوچرخه یا توپ؟

روز کودک

● شاعر: مریم اسلامی

● تصویرگر: یگانه یعقوب‌نژاد

امروز روز خوبی است
چون روز کودکان است
ای کاش شاد باشد
هر بچه در جهان است

